

## حاج نورالدین افندی و مقتل او<sup>۱</sup> تألیف عبدالمجید اسماعیل اوغلو

مترجم: مسعود صدر محمدی

عظمت و حقانیت حماسه عاشورا چنان پاینده است که پس از قرن‌ها، جان مشتاق پژوهشگرانی از همه ادیان و مذاهب را به سوی خود می‌کشد، به گونه‌ای که هر یک از آنان تلاش کرده‌اند تا با تالیف آثاری، گوشه‌ای از این عظمت و مظلومیت سالار شهیدان حسین بن علی (ع) را به جهانیان بازسانند. حاج نورالدین افندی نیز به عنوان یک عالم سنی قرن دهم هجری، کوشیده است تا با تالیف مقتل الحسین (ع)، عشق خود را به سالار شهیدان و اهل بیت - علیهم السلام - نشان دهد. قابل ذکر است که بخش‌هایی از مطالب مذکور در مقتل او، با علایق مذهبی، که یک محقق اهل سنت است، درهم آمیخته شده. بر این اساس، مجله پیام بهارستان در راستای مطالعات متن‌پژوهی در زمینه مقاتل و جایگاه آن در میان برادران اهل سنت، اقدام به نشر آن می‌نماید.

دفتر مجله پیام بهارستان

حادثه شهادت امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری / ۶۸۱ میلادی از جمله حوادث تأثیر انگیزی است که در طول تاریخ اسلام، تأثیرات عمیقی بر قلب‌های مسلمانان نهاده است. عواملی همچون نوه پیامبر و فرزند حضرت علی و فاطمه بودن امام حسین، تشنه واگذاشته شدن او و همراهانش، رخصت بازگشت ندادن به آنها - با وجود آنکه قصد بازگشت داشتند - رفتار بی‌رحمانه با کودکان و بی‌حرمتی به بانوان و سرانجام

۱. نوشتار حاضر، ترجمه مقاله‌ای است با مشخصات زیر:

Abdulmecit slamo lu, Hacı Nureddin efendi ve Hüseyinin Makteli Adlı Eseri, Çe itli Yönleriyle Kerbela, 2.c., s.43-60, T.C. Ba bakanlık tanıtma fonu, Sivas, 2010.

شهادت مظلومانه ایشان، بر اثرگذاری حادثه افزوده است. موضوع شهادت فاجعه‌بار امام حسین (ع) در حوزه ادبیات هم مانند معماری، تئاتر، مینیاتور و موسیقی، انعکاس یافته و بدین سان آثار منظوم و منثور فراوانی با این موضوع قلمی شده است.

از سال‌های پس از عاشورا، زندگی امام حسین (ع)، هویتی افسانه‌ای و منقبتی به خود گرفته و نام کربلا تبدیل به مضمون مهمی گشته است.<sup>۱</sup> مرثی کربلا که بلافاصله بعد از حادثه کربلا سروده شدند، با پیشاهنگی ادبیات عرب، تبدیل به موضوعی مشترک در ادبیات اسلامی شد.<sup>۲</sup> در دوره‌های بعد نیز در آغاز، با ماهیتی تاریخی - ادبی و بعدها صرفاً ادبی، آثاری که به حکایت و روایت حادثه می‌پرداخت با عنوان عمومی «مقتل الحسین» نگاشته شد.<sup>۳</sup>

نخستین نمونه از این نوع ادبی - که جایگاه قابل توجهی در ادبیات عربی، فارسی و ترکی برای خود فراهم آورد - اثری است که جابر الجعفی (متوفی ۱۲۸ هجری / ۷۴۶ میلادی) نگاشته است.<sup>۴</sup> اما اثر *مقتل الحسین ابو مخنف* (متوفی ۷۴۶ میلادی / ۱۵۷ هجری) از آن جهت که اولین نمونه از این نوع نوشته‌هاست که به دست ما رسیده و هم از آن حیث که سرمشق و منبع محتوایی و ساختاری آثار بعد از خود بوده است، اهمیت خاصی دارد.

حادثه کربلا پس از ادبیات عرب میان ادیبان شیعی ایران نیز تبدیل به موضوعی قابل توجه گردید. نخستین مقتل مهم در ادبیات فاسی از سوی حسین واعظ کاشفی در سال ۱۵۰۲/۹۰۸ به نام *روضه الشهدا* نوشته شده است. این اثر که در عین حال مهم‌ترین منبع حدیقه *السعداء* فضولی بود، در مدت کوتاهی در جهان اسلام شناخته شده و ترجمه‌ها و شرح‌هایی فراوان بر آن نوشتند.<sup>۵</sup>

حادثه کربلا در ادبیات ترکی نیز در گروه موضوعاتی است که کار بسیاری روی آن انجام یافته است. این موضوع عموماً در ادبیات دینی و تصوف ترک و خصوصاً در ادبیات علوی - بکتاشی در قالب‌های ادبیات دیوانی، مردمی و «عاشیق» جایگاه مهمی کسب کرده است. از جمله آثاری که در این موضوع نوشته شده

1. Mustafa uzun, Türk Edebiyatında Kerbela, T. Diyanet vakfı İslam Ansiklopedisi, Ankara, 2002, c.25 , s.274-275

۲. مرثی کربلا به عنوان موضوعی برای تز دکترای مورد بررسی قرار گرفته است. بنگرید به:

Bünyamin Ça layan, Kerbela mersiyeleri, Gazi Un. Sosyal Bilimler Enstitu, Ankara, 1997.

Mehmet Arsalan, Mehtap Erdo an, Kerbela Mersiyeleri, Tunceli Un. Alevilik uygulama ve Ara tırma Yayınları, Ankara, 2009.

3. eyma Güngör, Fuzuli-Hadikatüs-Süeda, Kültür ve Turizm Bakanlığı 1 Yayınları, Ankara, 1987, s.22.

۴. بنا بر مشهور نخستین مقتل، اثر نام برده شده است، اما در برخی منابع، اولین نوشته مربوط به موضوع کربلا را متعلق به اصیغ بن نباته، از یاران حضرت علی (ع)، دانسته‌اند. بنگرید به:

Ertu rul Ertekin, Arapça Farsça ve Türkçe Maktel-i Hüseyinler, A ina, sayı 23-24 , 2006 , s. 82

۵. برای اطلاعات بیشتر در مورد مقتل الحسین مراجعه کنید به:

eyma Güngör, Maktali Hüseyin, D. .A , Ankara, 2003, c.27, s.274

و در گستره مکانی وسیعی در مراسمات ده روز نخستین ماه محرم خوانده می‌شود، مثنوی «مقتل الحسین» حاجی نورالدین است.<sup>۱</sup>

آثاری را که با موضوع «مقتل الحسین» در ادبیات ترکی تا نیمه نخست سده شانزدهم که زمان نوشته شدن اثر حاج نورالدین افندی است، به صورت زیر می‌توان آورد:

قدیمی‌ترین نمونه مقتل الحسین در ادبیات ترکی، اثری است که در سال ۱۳۶۲/۷۶۳ و به احتمال قوی به دست یوسف مداح نوشته شده است.<sup>۲</sup> پس از آن، اثر یحیی بن بخشی که با نام مقتل الحسین در سال ۱۰۰۵/۹۰۵ به اتمام رسانده و اثر کتاب *مقاتل آل رسول*<sup>۳</sup> لامعی چلبی قرار می‌گیرند. میان مقاتلی که مؤلفان آنان مشخص است پس از آثار مذکور، مقتل الحسین نورالدین افندی است که موضوع بحث است. در مورد این اثر که از سال ۱۲۸۵ تا کنون به کرات چاپ‌های متعددی از آن به عمل آمده،<sup>۴</sup> عبدالقادر کاراهان با بیان این نکته که بیشترین رغبت مردم را به خود جلب کرده، بسیار خوانده شده و فراوان تکثیر شده،<sup>۵</sup> از حیث وسعت پخش آن را در ردیف *حدیقه‌السعداء* فضولی ذکر کرده است.<sup>۶</sup> ما نیز در این نوشتار با سخن گفتن از این اثر حاجی نورالدین افندی که از محبوبیت و رغبت فراوانی میان مردم برخوردار است،

1. Mustafa uzun, Türk Edebiyatında Kerbela, T. Diyanet vakfı İslam Ansiklopedisi, Ankara, 2002, c.25 , s.274

۲. در مورد این اثر، دو مورد تز دکترای نوشته شده است:

Nurcan Öznal Güder, Kastamonulu İsmail Makteli Hüseyin, İstanbul Un. Sosyal Bilimler Enstitüsü, st. , 1997

Özlem Demirel, A İkinin Makteli Hüseyini Üzerine Dil Tahlili, İstanbul Un. Sosyal Bilimler Enstitüsü, st. , 2007

همچنین پژوهش دیگری نیز از سوی کنعان اوزچلیک روی این کتاب انجام یافته است. او پس از بررسی حیات، آثار و طرفه‌های ادبی آثار او و نیز مواجهه کتاب‌های *ورقا و گلشاه* و نیز *مقتل الحسین* اگر چه نه به قطع و یقین، اما نظر بر واحد بودن نگارندگان این دو اثر دارد.

Kenan Özçelik, Yusuf-i Meddah ve Maktel-i Hüseyin, Ankara Un. Sosyal Bilimler Enstitüsü (Yeksek Lisana Tezi), Ankara, 2008

۳. برای اطلاعات گسترده‌تر در مورد این اثر رجوع کنید به:

Harun Arslan, Lamei-Çelebi- Kitab-ı Maktel-i Al-i Resul , İstanbul Un. Sosyal Bilimler Enstitüsü (Yeksek Lisana Tezi), st. , 2001

۴. با عنوان «وقعه کربلا» در سال‌های ۱۲۸۵، ۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۹، ۱۳۲۴، ۱۳۲۹، ۱۳۴۱ و یک مورد بی تاریخ چاپ وجود دارد. بنگرید به:

Abdulkadir Karahan, Anadolu Türk Edebiyatında Maktel-i Hüseyinler, Edebiyat Fakültesi Türkoloji Disiplini Mezuniyet Travayı, 1938-39 , s.23

eyma Güngör, Fuzuli-Hadikatüs-Süeda, s.28

5. Karahan, Anadolu Türk Edebiyatında Maktel-i Hüseyinler, s.

6. Karahan, s.23

همراه ارائه اطلاعاتی در مورد زندگی او به بررسی شکل و محتوای اثرش خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

### زندگی حاجی نورالدین افندی

بر اساس پژوهش‌های ما به غیر از محمد طاهر بورسای و عبدالقادر کاراهان، کسی دیگر چه در منابع قدیم و چه در منابع جدید، اطلاعاتی در مورد حیات نورالدین افندی ارائه نداده است. محمد طاهر بورسای پس از بررسی سراسر اثر نورالدین افندی برای یافتن اطلاعاتی در مورد او هشت بیت نخستین اثر را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> کاراهان نیز در اثر «مقاتل حسینی در ادبیات ترکی اناتولی» با ارائه ابیاتی از اثر، اطلاعاتی را در مورد محتوای اثر و شاعر آن ذکر می‌کند.<sup>۳</sup> نام شاعر در سه جا از اثر یاد شده است. در دو مورد «حاجی نورالدین» و یک مورد «نورالدین» قید شده است:

الهی حاجی نورالدین گدایی

بیئتشدور فضولونا ائبله عطایی<sup>۴</sup> (۱۵۸۳)

با وجود پژوهش‌هایی که انجام یافت، در مورد تاریخ تولد و وفات، محل تولد و اطلاعاتی از این نوع، چیزی به دست نیامد. تنها اطلاعات مربوط به زندگانی او در قسمت «سبب تألیف کتاب» از سوی خود او ارائه شده است. شاعر در سفر حجی، با کشتی دزدان دریایی مواجه می‌گردد و در اثر اصابت توپ‌هایی که از سوی دزدان شلیک می‌شده، افراد بسیاری کشته می‌شوند، به طوری که آب دریا با خون انسان‌ها سرخ می‌شود. نورالدین افندی و همراهانش توان لازم برای مقابله با دزدان را نداشتند، در نهایت به اسارت آنها در می‌آیند؛ از این رو نورالدین افندی برای مدت دو سال و نیم در جزیره رودوس (Rodos) محبوس می‌گردد. (۱۶۶۳-۱۶۷۰)<sup>۵</sup>

شاعر پس از ارائه این اطلاعات به نام مرشد خود، «جمال لارندی»، اشاره می‌کند:

۱. در این پژوهش به هیچ کدام از نسخ موجود از کتاب ارجحیت داده نشده و نخستین طبع آن به عنوان معیار نوشتار انتخاب گردیده است:

Nureddin, Vaka-i Kerbela, Tevfik Efendi Matbaası, st. , 1285

2. Bursalı Mehmet Tahir, Osmanlı Müellifleri, Matbaa-i Amire , st. , 1338, 2/436.

3. Karahan,s.23-27

۴. دو بیت دیگر که نام شاعر در آن ذکر شده است، ابیات ۱۵۹۴ و ۱۷۳۸ هستند.

۵. اعداد درون پاراتز در تمام اثر نشان‌گر شماره بیت در چاپ مورد اشاره از اثر است.

۶. رودوس در دوران حاکمیت سلطان سلیم قانونی به سال ۱۵۲۲/۹۲۹ تحت حاکمیت حکومت عثمانی قرار گرفت: smail Hakkı Uzançar ılı, Osmanlı Tarihi, Türk Tarih Kurumu Basımevi, Ankara, 1949, c.2 , s.301-304

با توجه به این مطلب باید که دوران اسارت نورالدین افندی در این مکان مربوط به دوره پیش از سال ۱۵۲۲/۹۲۹ باشد.

### جمال دور اسمی هم لارنده شهری نظیری یوک آراسان جمله دهری (۱۶۷۴)

این مرد که نورالدین افندی با عبارت «شیخمان» از او یاد می‌کند، فردی واقف بر علوم ظاهری و باطنی و انسانی متقی بوده است. شاعر با همت عالی او از وضعیت موجود رهایی می‌یابد و این شیخ است که او را از «دریای غم» و می‌رهاند. افندی که با پرداخت اجرت، امکان رهایی از اسارت را پیدا کرده، در سایه شیخ خود به حیات جدیدی رهنمون می‌گردد. (۱۶۷۱-۱۶۷۸)

از جمله اطلاعات با اهمیتی که نورالدین افندی در این بخش ارائه می‌دهد، امامت او در مسجدی است که از سوی احمد پاشا هرسکزاده (متوفی ۹۲۳ هجری / ۱۵۱۷ میلادی) <sup>۱</sup> در منطقه‌ای موسوم به «دیل» است. این مکان علاوه بر مسجد، مکانی برای انجام خیرات و بیتوته مسافران نیز بوده است. شاعر در این قسمت از «دیل» با لحنی از روی ستایش یاد کرده و رسیدن به مراد خود و چیدن گل‌های لطافت در آنجا را ذکر کرده است. افندی که بسیار در مجالس اولیا می‌نشسته، در دیل است که به حیات حقیقی دست می‌یابد. به طور کلی «دیل» در زندگی شاعر از اهمیت وافری برخوردار است، چرا که هدایای معنوی بی‌نظیر برای خود را در این مکان می‌یابد و به حضور رجال الغیب واصل می‌شود. نکته دیگری که افندی از زندگی خود در این مقام ذکر می‌کند، در مورد مادرش است. او مادرش را زنی صالحه و هم‌صحبت مردان الهی معرفی می‌کند. (۱۶۷۹ - ۱۶۱۹)

## ۲- اثر مقتل الحسین حاجی نورالدین افندی

### ۱.۲- نام اثر و تاریخ تالیف آن:

نام اثر در اسناد و نخستین صفحه اثر «وقعه کربلا» ذکر شده است، اما درون اثر با چنین نامی روبرو نمی‌شویم. با دقت در ابیاتی که شاعر به ذکر نام اثر پرداخته است، شاهد تسمیه کتاب با نام‌های «مقتل حسین» و «حسینین مقتلی» هستیم.

به رغم اینکه محمد طاهر بورسایی اثر را با نام «مقتل حسین» معرفی می‌کند، با توجه به اشاره کارهان و توجه به بیت زیر که شاعر به نام گذاری اثر اشاره می‌کند. معرفی اثر با نام «حسینین مقتلی» مناسب تر

۱. نام اصلی احمد پاشا - متولد ۱۴۵۹ در هرتسگ نووی - استفان (stjepan) است. او کوچک‌ترین فرزند استفان و کوچیک کوساجا حاکم بوسنی جنوب شرقی بوده است. پس از فتح بوسنی توسط سلطان محمد فاتح، دوک استفان مجبور به اطاعت از حاکمیت عثمانی شده و فرزندش استفان نیز به سرای عثمانی انتقال یافت. [در سرای] نام احمد به او داده شده و با توجه به هرزگوویچ بودن خانواده اش او نیز با نام هرسکزاده شناخته شد. او توانست محبت و اعتماد سلطان را به خود جلب کرده، در مشاغل مختلف حکومتی عهده‌دار وظایف گردد. بنگرید: *erafettin Turan, Hersekzade Ahmet Pa a, D. A., st., 1998, c.17, s.235-237*

۲. برای دریافت علت نام نهادن به صورت «مقتل حسین» به ابیات ۷۰۱ و ۱۷۰۶ و نیز برای عنوان حسینین مقتلی به ابیات ۱۵۹۵، ۱۶۶۰ و نیز ۱۷۳۲ مراجعه شود.

به نظر می‌آید:

حسینین مقتلی دئدیم بونا آد

ولی آچیلمادی بو رسمه بیر آد (۱۵۹۷)

شاعر در مصراع نخست با استفاده از گویش ترکی عبارت «مقتل حسین»، در مصراع دوم از عدم نام‌گذاری هیچ اثری با این نام تا کنون سخن گفته و به این وسیله سعی در جلب نظر به اصالت اثر خود دارد. چنین به نظر می‌رسد که با استفاده از «مقتل حسین» نیز که در ابیات مختلف از آن استفاده شده، به این نوع ادبی اشاره دارد.

نورالدین افندی، تاریخ تألیف اثر را در بیت پایانی اثر با عبارت «هو خیر و ابقی» ذکر کرده است. با احتساب حساب ابجدی، این عبارت سال اتمام تألیف اثر ۹۴۰ هجری/۳۴-۱۵۳۳ میلادی بوده است:

چون اولدی بو معانی شهید اعلا

دینو تاریخ «هو خیر و ابقی»

## ۲.۲- سبب نگارش اثر:

سبب نگارش اثر در بخشی تحت عنوان «سبب تألیف کتاب» توضیح داده شده است. نورالدین افندی در یک روز بهاری که گل‌ها شکفته و بلبل‌ها نغمه‌خوان بودند، به فکر فرو می‌رود. او با تفکر در گذرا بودن این جهان و فراوانی الم و اضطراب در آن و غیر قابل اجتناب بودن ترک مال و ملک و تبدیل به مشتی خاک گشتن بنی آدم، برای دستیابی به وسیله‌ای برای وصول به رضایت حضرت حق از رجال الغیب در خواست ارشاد می‌کند. در جواب استمداد او «وسيله امر خداوندی، نگاشتن مقتل حسین است.»

بونا مقتل حسینی دیدی آنلار

همان دم شهید وشکر یئدی آنلار (۱۷۰۶)

بدین صورت نورالدین افندی که از حیرت اینکه چه باید کند گریان بوده و ذره‌ای خواب بر چشمانش نمی‌آمده، به مراد خود می‌رسد. پس از این ارشاد رجال الغیب، عشقی که حتی اگر به قیمت «بر دار شدن» هم باشد، بر قلب او حاکم می‌گردد. در سایه همین عشق، زبان او گویا شده و سخنان زیبایی گوهر وار از ژرفای دریا استخراج می‌کند:

بنی چونکیم عجب سئوادایا سالدی

دیلیم غواص اولوب دریایا طالدی (۱۷۱۰)

## ۲.۳- ویژگی‌های ظاهری اثر:

### الف - قالب‌های نظم

مرجع‌ترین قالب برای آثاری که نیاز به تفهیم طولانی دارند، مانند مضامین صوفیانه، اخلاقی، تاریخی و داستانی، قالب مثنوی بوده است. «مثنوی» به دلیل عدم محدودیت در تعداد و قوافی ابیات، از قالب‌های

پر کاربرد شعری محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup> قالب مورد استفاده «حسینین مقتلی» نیز مثنوی است. در آثاری که در قالب مثنوی نوشته می‌شوند، شاهد استفاده از قالب‌های غزل، قصیده و ... میان ابیات مثنوی هستیم. این اقدام برای رها کردن خواننده از یک‌نواختی، جلب توجه او و تأمین خوانشی آسان و ذوقی از اثر انجام می‌گیرد.

این حالت در حسینین مقتلی نیز موجود است. در اثر علاوه بر ۱۷۲۶ بیت که در قالب مثنوی به نظم آمده، ۴ مورد غزل نیز وجود دارد:

بین ابیات ۷۳۳-۷۳۶: غزلی ۴ بیتی

بین ابیات ۸۱۴-۸۱۸: غزلی ۵ بیتی

بین ابیات ۹۱۱-۹۱۵: غزلی ۵ بیتی

بین ابیات ۹۸۰-۹۸۴: غزلی ۵ بیتی

نکته قابل توجه در محل‌های استفاده از قالب غزل در حسینین مقتلی این است که در مقام‌هایی که سخن از زبان قهرمانان اثر می‌رود یا به شعر بودن برخی منظومه‌ها اشاره می‌گردد،<sup>۲</sup> روال طبیعی اثر تغییر می‌یابد.

## ب - وزن

وزن غالب در حسینین مقتلی، فاعلاتن فاعلاتن فاعلن از بحر رمل است. این قالب با توجه به کوتاهی آن، برای مثنوی سرایی بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند و در ادبیات ترکی نیز از پرکاربردترین قالب‌ها به شمار می‌آید.<sup>۳</sup> دومین قالب مورد استفاده در اثر، قالب مفاعلهن مفاعلهن فاعلهن بحر هزج است:

ابیات ۱ تا ۱۴۱۳: فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن

ابیات ۱۴۱۴ تا ۱۴۶۳: مفاعلهن مفاعلهن فاعلهن

ابیات ۱۴۶۴ تا ۱۴۸۱: فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن

ابیات ۱۴۸۲ تا ۱۷۴۵: مفاعلهن مفاعلهن فاعلهن

از این رو در حسینین مقتلی، ۱۴۳۱ بیت در قالب فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن و ۳۱۴ بیت در قالب مفاعلهن مفاعلهن فاعلهن است. تغییر قالب‌های وزنی در اثر، عموماً در ارتباط با تغییر موضوعات است، چنان که

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد قالب مثنوی مراجعه کنید به:

smail Ünver, Mesnevi, Türk dili, Türk iiri özel sayısı2 (Divan iiri), T.D.K , Ankara, 1986, sayı 415, 416, 417, s. 430-563.

۲. اولین غزل بین ابیات ۷۳۳-۷۳۶ از زبان قاسم بن الحسن، دومین بین ابیات ۸۱۴-۸۱۸ از زبان عبدالله بن الحسن، سومین مورد از زبان علی بن الحسن بین ابیات ۹۱۱-۹۱۵ و چهارمین غزل از زبان امام حسین (ع) بین بیت‌های ۹۸۰ تا ۹۸۴ قرار دارند.

۳. بنگرید به:

Haluk pektin, Eski Türk Edebiyatı- Nazım ekileri ve Aruz , Dergah Yayınları, st. , 2002 , s.222.

نخستین تغییر در پایان «مجلس دهم» با ورود به موضوع مرگ یزید انجام یافته است. تغییر دیگر در بخشی تحت عنوان «نصایح اخوان» صورت یافته است. گفتنی است که یک مورد از این تغییرات وزنی با هیچ سببی هم چون تغییر موضوع یا هر علت دیگری قابل توضیح دادن نیست. نکته شایان ذکر دیگر، تلاشی است که مؤلف با ایجاد تغییرات وزنی در اثر برای ایجاد ضرب آهنگ‌های مختلف در اثر دارد. نگارش مقتل مربوط به دورانی است که هنوز زبان ترکی با عروض در معنای تام آن انطباق نیافته است؛ از همین رو شاهد اماله‌هایی که برای رعایت عروض انجام گرفته نیز هستیم.

### ج - تعداد ابیات

نسخه مطبوع مورد بررسی ما، متشکل از ۱۷۴۵ بیت است. اولین مجلس از مجموع ده مجلس کتاب بین ابیات ۱ تا ۳۶۹، مجلس دوم ۳۷۰ تا ۶۱۴، مجلس سوم ۶۱۵ تا ۷۰۰، مجلس چهارم ۷۰۱ تا ۸۰۵، مجلس پنجم ۸۰۶ تا ۹۰۲، مجلس ششم ۹۰۳ تا ۱۱۱۹، مجلس هفتم ۱۱۲۰ تا ۱۲۵۶، مجلس هشتم ۱۲۵۷ تا ۱۳۳۳، مجلس نهم ۱۳۳۴ تا ۱۳۸۷، و مجلس دهم ۱۳۸۸ تا ۱۴۱۳ قرار دارند. علاوه بر این ده مجلس بخش‌هایی که تحت عنوان موت یزید بی‌دین لعنه الله (۱۴۱۴ تا ۱۴۸۱)، نصایح اخوان (۱۴۸۲ تا ۱۵۵۸)، مناجات (۱۵۵۹ تا ۱۶۵۷) و سبب تألیف کتاب (۱۶۵۸ تا ۱۷۴۵) در طول ابیات مذکور، بیان شده‌اند.

### ۲.۴ - محتوای اثر

در ادبیات ترکی کلاسیک شمای عمومی مثنوی‌ها شبیه هم است. در این ساختار، در بخش ابتدایی حمد الهی، نعت حضرت پیامبر (ص) و مدح چهار یار قرار می‌گیرد که در اثر نورالدین افندی نیز همین منوال رعایت شده است.

مقتل با «حمد و ثنای جناب حق» آغاز شده، سپس با ذکر تعدادی از اسمای حسنا، عظمت خداوند متعال و تسبیح گویی تمام آفرینش برای او مورد مشاهده قرار گرفته، با ذکر برخی از اسمای پیامبر (ص)، رحمه للعالمین بودن ایشان و رسالتشان برای راهنمایی بشر به راه راستین، مورد اشاره قرار گرفته است. پس از آن از خلفا راشدین به عنوان دوستان آن حضرت و کسانی که شبانه‌روز در راه اسلام در تکاپو بودند، یاد می‌گردد. (۱ - ۳۴)

### - مجلس اول (۳۹ - ۱۶۰):

در این قسمت پس از بحث از چهار خلیفه‌ای که پس از ارتحال حضرت پیامبر بر سر کار آمدند، از حضرت حسن (ع) و امام حسین (ع) نام برده می‌شود، اما آل امیه به این کار اجازه نداده، حق آنان را غصب می‌کنند. ابتدا امام حسن، با مسموم شدن به شهادت می‌رسد و نوبت به امام حسین می‌رسد. در این زمان معاویه بر تخت است و پس از مردن او یزید بر سر کار می‌آید. او شام را مرکز سلطنت خود انتخاب می‌کند، در حالی که امام حسین (ع) در مکه است. یزید با ارسال هدایایی به اکناف حکومت سعی در جذب افراد به



خود دارد. برای همین نیز نعمان را به کوفه و عبیدالله بن زیاد را به بصره مأمور می‌کند. ۷۲ مسلمان جسور که امکان صبر در برابر ظلم‌ها را ندارند، در منزل شریح قاضی اجتماع می‌کنند و با دعوت از امام حسین (ع)، تصمیم بر تبعیت از او می‌گیرند. بنا بر این نامه‌ای به ایشان نوشته می‌شود. امام حسین (ع) به محض دریافت نامه به استشاره می‌پردازد. در کنار کسانی که موافق با مضمون نامه‌اند، کسانی نیز این مسئله را خطرناک دانسته، از امکان خبردار شدن یزید و بی‌شرمی او سخن به میان می‌آورند. امام حسین (ع) با بیان این سخن که «تقدیر حضرت حق هر چه هست، آن خواهد شد»، مسلم بن عقیل و سعد را برای بررسی وضعیت به کوفه اعزام می‌دارد. (۱۶۱-۳۶۹)

[پس از این]، عنوان «در بیان سنی جستن مسلم بن عقیل و سعد در کوفه» قرار دارد. در کوفه در منزل هانی بن عروه اجتماع می‌شود و برای امام حسین (ع) بیعت اخذ می‌گردد. در زمان کوتاهی شمار «سربازان سنی» بالغ بر پانزده هزار می‌گردد. مسلم در روز یست و هفتم ضمن نامه‌ای که توسط سعد ارسال می‌کند، وضعیت را برای امام حسین (ع) تشریح کرده، از او می‌خواهد هر چه سریع‌تر حرکت کند. امام حسین (ع) نیز به محض دریافت نامه، راهی می‌شود. با رسیدن این خبر به یزید، او نیز نامه‌ای به عبیدالله نوشته، از او می‌خواهد ضمن آماده‌سازی خود، مانع رسیدن امام حسین (ع) به کوفه گردد. ابتدا مسلم در کوفه شناسایی شده، شهید می‌گردد. دو فرزند مسلم نیز با وجود فرار از دست خارجی‌ها، نهایتاً دستگیر شده و بی‌رحمانه کشته می‌شوند. عبیدالله از قتل آن دو کودک معصوم به خشم آمده، حکم به قتل قاتل آن دو می‌دهد.

### مجلس دوم (۳۷۰-۶۱۴)

امام حسین (ع) همراه خاندان و یاران خود، به سوی کوفه حرکت می‌کند. در منطقه‌ای موسوم به «کاراسو» (سیاه آب) با کاروانی که از سوی کوفه می‌آید، روبرو می‌شوند. مردی به نام ظهر بن حصین (zehr b. hasin) با شکوه و زاری از مظالم نعمان خبر شهادت مسلم و دو فرزند او را به حضرت می‌دهد و از امام حسین (ع) می‌خواهد تا از ترک مکه منصرف نشود و با توجه به خطری که از سوی آنان متوجه حضرت است، به او التماس می‌کند تا باز گردد. اما امام حسین (ع) با گفتن اینکه «یاور ما خداست»، نظر خود مبنی بر عدم بازگشت را بیان می‌کند. ظهر نیز برای راهنمایی به کاروان ملحق شده و کاروان راه خود را ادامه می‌دهد. در این میان خبر حرکت امام حسین (ع) به همراه هفتاد و دو مرد به سوی کوفه به عبیدالله بن زیاد می‌رسد. عبیدالله نعمان را از مواقع خبردار می‌کند و او نیز ضرورت سد طریق آنان توسط ۱ هزار سرباز را بیان می‌دارد. عبیدالله نیز ضمن مأموریت دادن به حُرّ مبنی بر جمع آوری ۱۰ هزار سرباز و حرکت به سوی امام حسین (ع) از او می‌خواهد تا ابتدا به آرامی و با مسالمت از امام حسین (ع) بخواهد تا ضمن نظر از این کار باز گردد، در غیر این صورت دستور به بازداشت او می‌دهد.

امام حسین (ع) با همراهی مردان خود به محض ورود به کربلا، متوجه حضور سربازان می‌شود و قاسم بن حاتم را برای بررسی شرایط به سوی آنان می‌فرستد. قاسم در صحبت با حرّ، از فانی بودن دنیا و اشتباه

بودن اقدام خُر سخن می گوید. خُر نیز با گریه کردن، اظهار پشیمانی می کند. اما به خاطر خانواده اش که اکنون در نزد خارجی ها هستند، امکان ملحق شدن خود را غیر ممکن می یابد.

امام حسین (ع) و یارانش به مکانی که در آینده مزارشان خواهد بود، می رسند. امام حسین (ع) مثنی خاک را برداشته و می بوید و اظهار می دارد: اینجا ایستادنی هستیم و باید آنچه در تقدیر است را اینجا ببینیم. عبیدالله تصمیم می گیرد تا سربازان جدیدی را علیه امام حسین (ع) اعزام کند. عمرو نحس (Amr-I Nahs) (عمر بن سعد) را احضار کرده، ضمن اعطای مال و مقام و دارایی به او دستور می دهد تا با جمع آوری سی هزار سرباز به سوی امام حسین (ع) حرکت کند. او یا باید بیعت اخذ نماید یا رأس امام حسین (ع) را جدا کند.

عمرو با ورود به کربلا تصمیم به جنگ می گیرد اما خُر مانع شده و ابراز می دارد که با مذاکره با امام حسین (ع) شاید بتواند او را برای بیعت اقناع نماید. او با آمدن نزد امام حسین (ع) از جمع شدن ۸۰ هزار سرباز و عدم امکان رهایی از دست آنان جز با بیعت سخن می گوید. اما امام حسین (ع) با بیان فانی بودن دنیا، وجوب تبعیت از آل رسول الله را به او بازگو می کند و این چنین خُر با آن حضرت بیعت می کند. سپس خُر با بازگشت به لشکر به هر نحوی، سعی بر منصرف ساختن نحس از جنگ می کند و در نهایت با بی ثمر دیدن تلاش های خود، همراه دو فرزندش به امام حسین (ع) ملحق می گردد. خارجی ها سمت خُر را به شمر واگذار می کنند.

عمرو دستور می دهد تا برای سلب مجال جنگ از امام حسین (ع)، مانع رسیدن او به آب شوند و برای همین هفت هزار سرباز را مأمور می کند. امام حسین (ع) با توجه به امکان هلاک شدن همراهانش از تشنگی، تصمیم بر بازگشت می گیرد، اما همراهانش با پی بردن به این امر، از بازگشت سرباز زده، از عاشقانه جان دادن خود سخن می رانند. تنها خواسته آنان از امام حسین (ع) شفاعتشان در روز جزاست. امام حسین (ع) نیز می گیرد و آنان را بسیار دعا می کند. شب هنگام امام حسین (ع)، حضرت پیامبر را در خواب می بیند. حضرت پیامبر از او می خواهد تا با صبر کردن و تسلیم شدن در برابر تقدیر الهی جان خود را فدا کرده، پادشاه زمره شهیدان شود. امام حسین (ع) پس از بیداری، رؤیای خود را به یاد می آورد و خدا را سپاس می گوید.

### مجلس سوم (۶۱۵-۷۰۰)

در حالی که مردان همراه امام حسین (ع) ۷۲ تن هستند و خارجیان ۸۳ هزار نفر را بالغ می شوند، طبل جنگ به صدا در می آید. زاده مسلم برای خون خواهی پدر خویش از امام حسین (ع) برای رفتن به میدان مبارزه اذن می طلبد و با اذن او، پس از ورود به میدان با دو نفر جنگیده و آنان را به قتل می رساند. پس از آن دو هیچ کس حاضر به مبارزه با او نمی شود و او به خدمت امام حسین (ع) بازگشته، جرعه ای آب می خواهد و جان می دهد.

سپس خُر وارد میدان شده، ۶۰ نفر از خارجیان را می کشد، خارجی ها همگی به یک باره بر او حمله ور می شوند. او با حالتی نزار، به حضور امام حسین (ع) بازگشته، شهید می شود.

### مجلس چهارم (۷۰۱ - ۸۰۵)

سعد، غلام حضرت علی، قاسم فرزند جعفر صادق و برادران و غلامان امام حسین (ع)، به شهادت می‌رسند. طالب بن جعفر نیز پس از هلاکت ۷۲ مرد از خارجیان، شهید می‌شود. فرزند حضرت حسن، قاسم، وارد میدان مبارزه می‌شود و برای خارجیان شعر می‌سراید. خارجیان به یک باره بر او حمله می‌برند. قاسم ۱۳۲ نفر از آنان را کشته و از ۳۳ ناحیه زخم بر می‌دارد. با شهادت او سر مبارکش را از پیکرش جدا کرده، طبل زعفر می‌نوازند. پس از او برادرش عبدالله وارد میدان می‌شود. عمرو دستور بر قتل او می‌دهد. عبدالله هزار سرباز را هلاک می‌کند.

### مجلس پنجم (۸۰۶ - ۹۰۲)

در نهایت عبدالله نیز به مقام شهادت نایل می‌شود. این بار برادر امام حسین (ع)، عون، وارد میدان جنگ می‌شود. او بسیاری از خارجی‌ها را می‌کشد و سرانجام با حمله یک باره آنان شهید شده و سرش از تن جدا می‌گردد. تنها یک نفر از برادران امام حسین (ع)، عباس، باقی است. امام حسین (ع) او را برای گرفتن آب مأمور می‌کند. عباس (ع) با گذر به طرف مقابل، مشک را پر آب می‌نماید، اما به هنگام بازگشت، عمر امر بر ممانعت او از بازگشت و کشتن او می‌دهد. عباس نیز با جدا شدن سر از پیکرش شهید می‌شود. [حال] امام حسین (ع) و فرزند او، علی، مانده‌اند. علی از پدر اذن خروج می‌خواهد، اما امام حسین (ع) با بازداشتن او، اقدام به سخنرانی مفصل و پرشوری می‌کند. خارجیان با شنیدن این سخنان، در مورد اشتباه بودن اقدامات خود به سخن با عمرو می‌پردازند.

### مجلس ششم (۹۰۳ - ۱۱۱۹)

علی سرانجام از پدر اذن میدان می‌گیرد. در مقابل او طلاق است که عمرو نحس حکمرانی بر مناطق اطراف موصل را به او وعده داده است. علی او را هلاک می‌کند. پس از او پسرش طلحه به میدان می‌آید که او نیز هلاک می‌شود. ابن نوفل همراه ۱۰ هزار سربازش بر علی هجوم می‌برند، او ۱۳۰ نفر را هلاک می‌کند، اما بر اثر ضربه‌ای که از پشت بر دستش اصابت می‌کند، زخمی می‌شود. علی به نزد پدر باز می‌گردد و روی زانوانش چشم فرو می‌بندد. حسین دیگر تنهاست. ابراهیم فرزند کوچک امام حسین (ع) در حال گریستن است. او در حالی که ابراهیم را در بر گرفته، خطاب به خارجیان می‌گوید که این کودک چند روز است که تشنه است و از آنان می‌خواهد تا به کودک آب دهند. اما کودک با تیری که افکنده می‌شود و دهان او را زخمی می‌سازد، با حیات وداع می‌کند. پس از آن امام حسین (ع) زره پوشیده و ذوالفقار را بر کمر می‌بندد. دختران و خواهرانش به او التماس می‌کنند تا به میدان نرود، اما امام حسین (ع) با گفتن این که تقدیر حق هر چه باشد همان خواهد شد، آنان را به خداوند سپرده، خود راهی میدان می‌شود. او پس از خطاب به عمرو که فریفته دنیا شده، اعمال ناپسندی را پیشه کرده و اولاد رسول را تحقیر نموده است، با او شروع به رزم می‌نماید. او با ذوالفقار، تیر و کمان و

نیزه‌اش، بسیاری را کشته و برای اندکی استراحت به خیمه باز می‌گردد. او که از هفت موضع زخمی شده، به حفظ فرزند هفت ساله‌اش، زین‌العابدین، امر می‌کند تا نسلشان منقطع نگردد و با فرزندانش وداع می‌گوید. خارجی‌ان در میان خود شور کرده و به این نتیجه می‌رسند که باید امام حسین (ع) را محاصره نمود. برای همین سربازان به چهار گروه تقسیم شده، آن حضرت را در میان می‌گیرند. امام حسین (ع) که وضعیت محاصره را درک می‌کند، با اسب خود بر صفاها هجوم برده، افراد فراوانی را هلاک می‌کند، اما در نهایت از توان می‌افتد. او از اسب خود بر زمین می‌خورد، اما مرکب او را ترک نکرده و اجازه نمی‌دهد که کسی هم به او نزدیک گردد. برای همین سربازان اسب را آماج تیرهای خود قرار می‌دهند و اسب زخمی می‌شود. امام حسین (ع) در میانه میدان تنها می‌ماند. گروهی از خارجی‌ها رأی بر دستگیری او و گروهی دیگر نظر بر قتل او می‌دهند. شمر ظالم خنجر بر دست می‌گیرد. امام حسین (ع) از او آب می‌خواهد و تعهد می‌کند در صورتی که به او آب دهد، خون خود را بر او حلال کند و در آخرت از شمر شکایتی نداشته باشد، اما شمر بیان می‌دارد که اگر زمین و آسمان آب گردد، باز از دادن آب امتناع خواهد ورزید. در این هنگام امام حسین (ع) با گفتن «حق» پای خود را بر زمین می‌کوبد و آب زیبا و گوارایی شروع به فوران از زمین می‌کند. امام حسین (ع) به اینکه این کار به امر الهی محقق شده و مسئله تشنگی نیست، بلکه امر الهی چنین تقدیر کرده است، اشاره می‌کند.

امام حسین (ع) از شمر می‌خواهد تا برای دیدن نشانه‌ای، سینه خود را باز کند. حضرت با دیدن سینه او به تعبیر صحیح گفتار جد خود، حضرت پیامبر (ص)، اظهار می‌دارد. او در پاسخ شمر که از علت مسئله پرسیده بود، گفته جد خود را مبنی بر اینکه «تو را فردی که سینه‌اش تماماً سیاه است خواهد کشت» می‌گوید. شمر امام حسین (ع) را بر پهلوی راست خوابانده، خنجر می‌کشد، اما به رغم اعمال سه باره خنجر گلو را نمی‌برد. امام حسین (ع) نیز با اشاره به اینکه گلوی او موضع بوسه حضرت پیامبر بوده و به همین سبب خنجر هیچ گاه از پیش رو گلو را نخواهد برید، اشاره می‌کند و می‌فرماید که تنها از پشت سر این کار را می‌تواند به انجام رساند. شمر نیز این چنین می‌کند. حادثه‌ای که تمام جهان را به لرزه در می‌آورد، انجام می‌یابد و امام حسین (ع) شهید می‌شود. با روان شدن خون او، تمام آفرینش به فغان می‌آید. ارض و سما تاریک می‌شود، آن چنان که چشم‌ها توان دید را از دست می‌دهند. از درون سنگی که در همان موضع قرار دارد، دستی که روی آن بی ایمان مردن قاتل امام حسین (ع) و عدم شفاعت حضرت پیامبر (ص) و ابدی ماندن او در جهنم نگاشته شده بود، بیرون می‌آید.

با روشن شدن هوا، حمله‌کنندگان به خیمه‌ها به غارت اموال بانوان حرم که ۲۳ نفرند، می‌پردازند. اموال شهربانو، همسر امام حسین (ع)، و دو دخترش غارت می‌شود. با دستگیر کردن بانوان، همگی به سمت کوفه رهسپار می‌شوند. از میان لشکریان، شتربانی جا می‌ماند تا به جستجوی غنایم برای خود بپردازد. لباس‌های امام حسین (ع) جز جامگان زیرین او به غارت رفته بود؛ چشم این شتربان به جامگان زیرین حضرت افتاده، قصد آنها را می‌کند. امام حسین (ع) ابتدا با دست راست خود مانع از این عمل می‌شود، اما شتربان دست او را قطع می‌کند و همین طور با مانع شدن دست چپ، آن دست نیز بریده می‌شود. او در آستانه نیل به هدفش،

به ناگاه می‌بیند که مردی از پیش رو می‌آید و او از کارش باز می‌ماند. آن مرد پیکر امام حسین (ع) را در بر گرفته، شروع به گریستن می‌کند. از پی او دو مرد دیگر می‌آیند. آخرین فردی که آمده - حضرت علی (ع) - از امام حسین (ع) در مورد بریده شدن دستانش و فاعل این عمل می‌پرسد و دعا می‌کند که انجام دهنده این عمل مسخ به خوک شده، تا پایان عمر، خویشتن خویش را لعن کند. در همان لحظه سیمای شتربان قلب به خوک شده و او شروع به لعنت گفتن به خود می‌کند. از او پس قرنی نقل شده که او چنین شخصی را که صورت خوک خود را پوشانده و خود را لعن می‌کرده، دیده است.

### مجلس هفتم (۱۱۲۰ - ۱۲۵۶)

شهدا تا پنجاه روز بر زمین می‌مانند. هر شب نوری از آسمان بر محل پیکر امام حسین (ع) فرود می‌آید. یهودیان اطراف با مشاهده نور، پی به عظمت امام حسین (ع) برده، او و اصحاب را جدای از هم دفن می‌نمایند.

خارجی‌ها نیز در اطراف کوفه، در محلی نزدیک به خانه شمر اتراق می‌کنند و شمر به خانه خود می‌رود. همسر شمر که زن مؤمنه‌ای بوده، با دیدن سرهای بریده شده، از صاحبان آنان می‌پرسد و شمر نیز در جواب می‌گوید که مربوط به شورشیان ضد حکومت هستند. در آن شب اتفاقی که سر امام حسین (ع) در آن قرار داشته، پر از نور می‌شود و زانی به آنجا آمده، سر را به دامان گرفته، دیدگان او را بوسیده، با مشک و عنبر آن را معطر می‌کنند.

زن شمر با مشاهده این وضعیت، از آن بانوان می‌خواهد که خود را معرفی نمایند. آنان بیان می‌کنند که حضرت فاطمه (س)، حضرت خدیجه، حضرت عایشه و حضرت مریم هستند و این سر نیز که با مشک معطرش ساخته‌اند، رأس امام حسین (ع) است. با غیب شدن آن بانوان مبارک، او آن سر را در دامن گرفته، آن را پاک کرده، موها و محاسن آن را شانه می‌زند؛ سپس پیش شمر رفته، به او می‌گوید که دیگر زن او نیست و خانه را ترک می‌کند.

فردا سرها بر نیزه‌ها نصب شده و با نواختن طبل‌ها کاروان به راه خود ادامه می‌دهد. و خیر نزدیک شدن به کوفه به عبیدالله مژده داده می‌شود. شمر و عمر وارد شهر شده، به حضور عبیدالله می‌رسند. رأس امام حسین (ع) نیز در سینی‌ای به مجلس آورده می‌شود.

عبیدالله رأس را در دست گرفته، روی زانوی خود قرار می‌دهد و از عمرو می‌خواهد تا واقعه را به او گزارش دهد. عمرو شروع به نام بردن از کشته شدگان می‌کند و در پایان به نام امام حسین (ع) می‌رسد. در این هنگام خونی از رأس حضرت جریان می‌یابد که ابتدا لباس‌ها و سپس زانوی عبیدالله را سوراخ می‌کند. او رأس را بر زمین می‌گذارد، اما یک پای او شروع به پوسیدن می‌کند. اطبا نیز نمی‌توانند کمکی کنند و در نهایت بدن او عفونت می‌کند و او می‌میرد. زمین از پذیرفتن جنازه او خودداری می‌کند؛ از این رو او را قطعه قطعه کرده، طعام سگان می‌کنند.

خارجیان تشکیل جلسه داده و در مورد اینکه چه کسی مسئولیت بردن سرها و زنان اسیر به شام را بر

عهده خواهد گرفت، شور می کنند. در نهایت مسئولیت بر عهده عمرو قرار می گیرد و او باید همراه شمر، سرها را به یزید تسلیم کند. به راه می افتند؛ در طول مسیر، به صومعه ای قدیمی که در آن پانصد راهب به رهبری راهبی سیصد ساله وجود دارد، می رسند. این راهب از چهل سال پیش تا کنون از صومعه خارج نشده، اما برای مشاهده قافله بر پشت بام صومعه می آید و به تماشای رأس‌ها می پردازد. او سپس از عمرو می خواهد تا یکی از سرها را برای یک شب به او امانت دهد، اگر چه ابتدا با درخواست او موافقت می شود، اما با اطلاع از اینکه رأس منظور مربوط به امام حسین (ع) است، جواب رد به او داده می شود. راهب با پرداخت کیسه‌ای پول طلا، در نهایت آن‌ها را راضی می کند. شب هنگام اتافی که سر در آن قرار دارد، مملو از نور می شود و حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت نوح، حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت محمد (ص) و چهار خلیفه به آنجا می آیند. راهب با مشاهده آنان مدهوش می شود. راهب پس از به هوش آمدن، در مورد کسی که سیمایش از همه پر نورتر و هم چون گل تابان است می پرسد. خلیفه اول با معرفی پیامبر (ص) در مورد اینکه این سر متعلق به کیست، سخن می گوید. راهب مسلمان شده، رأس امام حسین (ع) را با گلاب شسته، مشک اندود می کند و فردا روز این وقایع را به اطلاع عمرو می رساند.

### مجلس هشتم (۱۲۵۷ - ۱۳۳۳)

رأس امام حسین (ع) را از راهب گرفته، به راه خود ادامه می دهد و به شهر حلب نزدیک می شوند. شهربانو حامله است. او فرزندی به نام محسن به دنیا می آورد، اما کودک وفات می یابد. در نهایت به شام می رسند و خیر به یزید داده می شود. برای ورود به سرای دختران و خواهران امام حسین (ع) با پای برهنه و سرهای مکشوف در پشت در به انتظار نگه داشته می شوند. عمر و شمر با ورود به نزد یزید خود را به زمین می اندازند. یزید با دیدن رأس امام حسین (ع) خوشحال می شود. یکی از حضار خاطره دیدار خود با پیامبر و مسلمان شدنش را تعریف می کند و از نوازش‌های حضرت پیامبر (ص) نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) سخن می گوید و از یزید در مورد چگونگی این کار او سؤال می کند. این سخنان یزید را عصبانی می کند و یزید به قتل او دستور می دهد. فرد دیگری از حاضران در مجلس که یهودی است، با دیدن وضعیت دختران امام حسین (ع)، با اشاره به اینکه یهودیان به خاطر اینکه او از نسل حضرت داود است، او را به شدت احترام می کنند، از غیر قابل فهم بودن قتل آل حضرت پیامبر و وضعیت حاضر آنان در حالی که هنوز پنجاه سال از وفات او نگذشته، سخن می گوید. او با گفتن اینکه این چه مسلمانی‌ای است، یزید را مورد شامت و تحقیر قرار می دهد و اعلام اسلام می کند، اما خارجیان او را نیز گردن می زنند.

### مجلس نهم (۱۳۳۴ - ۱۳۸۷)

یزید دستور می دهد زین العابدین (ع)، فرزند امام حسین (ع)، به مجلس وارد شود. او با گفتن اینکه آنها

لایق رهبری الهی نبوده‌اند و با خاطر نشان کردن آنچه بر سر آنان آمده، سعی می‌کند تا زین العابدین را تحقیر کند، اما زین العابدین خطاب به یزید، از نادرست بودن اعمال او و لشکر پیامبر بودن سپاه پدرش و لشکر دوستان شیطان بودن دشمنان آنان سخن می‌گوید. یزید با این سخنان غضبناک شده، دستور زدن گردن زین العابدین را صادر می‌کند، اما خواهر زین العابدین، ام کلثوم، مانع شده و به او در مورد عذابی که در قیامت برای قطع نسل حضرت پیامبر روی زمین متوجهش خواهد شد، هشدار می‌دهد.

با شنیدن این سخنان یزید از زین العابدین می‌خواهد تا هر خواسته‌ای که دارد بگوید. زین العابدین نیز علاوه بر درخواست رأس پدرش، می‌خواهد تا اجازه ایراد خطبه بر منبر در روز جمعه به او داده شود. یزید نیز قبول می‌کند. اما با فرا رسیدن زمان سخنرانی زین العابدین یزید با هرأس از سخنانی که او می‌تواند بگوید، از زین العابدین می‌خواهد تا سخنانش را بدون این که بر منبر قرار گیرد ایراد نماید. در این هنگام زین العابدین که هنوز هفت ساله است، با ثنای خداوند و صلوات بر حضرت پیامبر (ص)، شروع به باز گفتن آنچه بر سر پدر و برادرانش آمده بود، می‌کند.

### مجلس دهم (۱۳۸۸ - ۱۴۱۳)

یزید که راضی به ادامه سخنرانی زین العابدین نیست دستور به اقامه نماز جمعه می‌دهد. امام [جمعه] نیز بی‌درنگ در محراب ایستاده شروع به نماز می‌کند.

سینان با ویران کردن سرای یزید، سعی می‌کند تا آن را به آتش کشند. در این بین، آسمان با ابرهای تیره پوشیده شده، فضا سراسر تاریک می‌شود و مردم سخن از رسیدن موعد قیامت می‌کنند. باران شروع به بارش می‌کند، سیل به راه می‌افتد، به طوری که نیمی از شام غرق در آب شده، افراد بسیاری کشته می‌شوند. در نظر مردم این عذابی الهی است که سبب آن نیز یزید است. با توجه به این، مروان از یزید می‌خواهد تا هرچه زودتر نزدیکان امام حسین (ع) را از شهر خارج سازد که در غیر این تقدیر، تخت از دست خواهد رفت. یزید به زین العابدین پیغام می‌دهد هر چه بخواهند به آنان اعطا خواهد شد و او قصد فریب آنان با مال و ملک را ندارد. او همچنین می‌خواهد تا در صورتی که قصد ماندن تا فردا را داشته باشند، زین العابدین با قرار گرفتن در فراز منبر، او را دعا کند.

### موت یزید بی دین - لعنه الله - (۱۴۱۴-۱۴۸۱)

در میان عجمان، مردی جلیل القدر به نام محمد عراقی است. او همراه چهارصد نفر از خدمتکارانش در سفری به شام می‌رسد و در آنجا از آنچه بر امام حسین (ع) رفته آگاه می‌گردد. با اطلاع از این مسئله، بسیار متأثر شده، از حضرت حق می‌خواهد تا ظالمان را به جزایشان برساند. او بسیار گریسته و به خواب می‌رود. در عالم رؤیا خود را در صحنه قیامت می‌یابد. نیکان معین شده‌اند و بدان راهی جهنم‌اند. در میان افرادی که در صحرای محشر هستند، حضرت محمد (ص) را با چهره نورانی‌اش می‌شناسد و از ایشان درخواست شفاعت می‌کند، اما حضرت پیامبر حتی به او نگاهی هم نمی‌کند. محمد عراقی از چرایی قضیه



و چیستی گناه خود پرسش می کند و حضرت پیامبر، علت را بی تفاوتی او در برابر کشته شدن امام حسین (ع) بیان می دارد و به او می فرماید تا فردا همراه یاران خود به مسجد بروند و زین العابدین را که در دست یزید گرفتار است، نجات دهند.

محمد عراقی به محض بیدار شدن، افراد خود را تسلیح کرده، فردا روز همگی داخل مسجد می شوند. یزید نیز همراه مروان وارد مسجد می شود. محمد عراقی با صدای رسا، مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و از تمام دوست داران حضرت پیامبر می خواهد تا وفای به عهد کنند. او می گوید که باید امروز اموال قاتل امام حسین (ع) مصادره و گردن او زده شود. در این هنگام تمام سنیان شمشیرهای خود را از نیام در آورده، به سوی یزید حمله ور می شوند. چهارصد مرد همراه عراقی با سربازان یزید درگیر شده، آنان را هلاک می کنند. یزید با مشاهده وضعیت به سوی سرای فرار می کند، اما سر راه، در چاهی خشک شده می افتد و هلاک می شود. شهربانو و ام کلثوم با بیماری وفات می کنند و حضرت زین العابدین همراه باقی اهل قافله به سوی مدینه رهسپار می گردد. با رسیدن آنان به مدینه، استقبال کنندگان ایشان برای شهادت امام حسین (ع) در نهایت حزن و بی قراری هستند.

### نصایح اخوان (۱۴۸۲-۱۵۵۸)

شاعر در این قسمت ابتدا، با وجود بنده ای گناهکار و عاصی بودن از پناهندگی خود به خداوند قادر و کثیر الرحمه و درخواست عفو از جانب حق برای خود سخن می گوید، او از خداوند می خواهد تا در آخرین نفس با ایمان از این دنیا رحلت کند و مزار او در نزدیکی مزار امام حسین (ع) قرار گیرد. پس از این عبارت، نورالدین افندی شروع به نصیحت می کند. در این قسمت، رعایت اوامر الهی در تمامی امور، دوری از غیبت، ریا و حسد و فانی و گذرا بودن دنیا مورد تأکید قرار می گیرد.

### مناجات (۱۵۵۹ - ۱۶۵۷)

در این قسمت شاعر با حالتی گنهکار به حضور خداوندی که منزه از هر زمان و مکانی است آمده و خواستار عفو خویش است. او از جناب حق می خواهد تا به خاطر قرآن، نام حضرت پیامبر (ص)، جسم، روح، رأس بریده و خون ریخته شده امام حسین (ع) و نیز به حرمت اصحاب همراه او و خون ریخته شده آنان و سرهای بریده آنان، او را ببخشاید. شاعر با بیان آرزوی محشور شدن خود با امام حسین (ع)، شفاعت حضرت پیامبر را طلب می کند. همچنین از نام اثر خود، نوشته شدن آن و وضعیت یزید سخن می گوید و در نهایت به مدح و ثنای روح پاک امام حسین (ع) و همراهان او در کربلا می پردازد.

### سبب تألیف کتاب (۱۶۵۸ - ۱۷۴۵)

شاعر در این قسمت پس از ارائه اطلاعاتی در مورد حیات شخصی خود، در مورد چگونگی نوشته شدن این اثر سخن می گوید. او با تشبیه کتاب خود به هدیه مور به حضرت سلیمان، درخواست مقبولیت کتابش



را بیان می‌دارد. مقتل با حمد جناب حق و صلوات بر حضرت پیامبر و آل او، با بیتی که بیانگر تاریخ تألیف آن است، به پایان می‌رسد.

### نتیجه

در این نوشتار که با هدف بررسی ویژگی‌های اثر «حسین‌بن‌مقتلی» مربوط به حاج نورالدین افندی که در نیمه نخست قرن شانزدهم نوشته، نتایج زیر به دست آمد:

۱. نام اثر در منابع و صفحه نخست اثر با نام «وقعه کربلا» آمده، اما در متن اثر به چنین نامی اشاره نشده است. اثر از سوی مؤلف به صورت «حسین‌بن‌مقتلی» معرفی شده است.
۲. تاریخ تألیف کتاب توسط نورالدین افندی در بیت پایانی کتاب به حساب ابجد نوشته شده است. با حساب ابجد، اثر در سال ۹۴۰ ق. / ۱۵۳۳-۴ م. نوشته شده است.
۳. حاج نورالدین سبب تألیف کتاب را رجال الغیب معرفی می‌کند، او برای رسیدن به رضای الهی در پی وسیله‌ای از مردان الهی طلب همت می‌کند که در پاسخ «مقتل حسین» بر او الهام می‌شود.
۴. اثر در ۱۷۴۵ بیت و عموماً بر نوع مثنوی نوشته شده است. همچنین در اثر یک غزل چهار بیتی و سه غزل پنج بیتی نیز وجود دارد. قسمت اعظم مقتل در قالب فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و بخشی نیز در قالب مفاعلهن مفاعلهن فاعلن است.
۵. اثر پس از ده مجلس که بخش اساسی کتاب را تشکیل می‌دهد، با بحث از مرگ یزید، نصایح اخوان، مناجات، سبب تألیف کتاب و اطلاعاتی در مورد زندگی شخصی مؤلف به اتمام می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی